

## **The Function and Position of Sheikh al-Islami in the Qajar Period with Reference to the Rasnad**

**MohammadJavad Moradinia<sup>\*</sup>, Alireza Niknezhad<sup>\*\*</sup>**

### **Abstract**

The position of "Sheikh al-Islam" was used for the first time at the end of the fourth century of Hijri in Khorasan. In the following periods, this position was continued, but the height of its fame and authority was during the Safavid period, when it had the highest religious position. In addition to the government center, there was a counterpart of "Sheikh al-Islam" as the highest religious authority in other important cities. Although this post lost its former importance and status during the Zandiya and Afshariya periods, but with the rise of the Qajar dynasty, it became important again and played an important role in the government and society. "The role and position of Sheikh al-Islam in the structure of the Qajar government as well as its position and function in society" is considered as the ambiguity and problem of this research. The upcoming research aims to answer the question of the researcher with a descriptive-explanatory method and using unpublished documents such as decrees, envelopes, etc. The topic of this research is one of the new and original topics that have been less discussed so far and an attempt has been made to get a direct and immediate knowledge of the title and position of Shaykh al-Islami, which was one

<sup>\*</sup> Assistant Professor of National Library & Archives of Iran (Corresponding Author),  
ketabziba@yahoo.com

<sup>\*\*</sup> PhD in Iranian History, University of Isfahan, alre.niknejad@gmail.com

Date received: 2022/06/20, Date of acceptance: 2022/12/11



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

of the defining positions not so long ago, by using documents. In the social and religious hierarchy of Iran, it was considered to be given.

**Keywords:** Shaykh al-Islam, Sharia courts, Qajar, Judicial system, Social



## کارکرد و جایگاه شیخ‌الاسلامی در دوره قاجار با تکیه بر اسناد

محمد جواد مرادی نیا\*

علیرضا نیک نژاد\*\*

### چکیده

منصب "شیخ‌الاسلام" برای نخستین بار در اواخر قرن چهارم هجری و در خراسان به کار گرفته شد. در دوره‌های بعد این منصب تداوم یافت، اما اوج شهرت و اقتدار آن در دوره صفویه بود که بالاترین مقام دینی را داشت. علاوه بر مرکز حکومت، در سایر شهرهای مهم هم منصب "شیخ‌الاسلام" به عنوان بالاترین مقام مذهبی وجود داشت. هر چند این منصب در دوره‌های زندگی و افشاریه اهمیت و جایگاه سابق خود را از دست داد، ولی با روی کار آمدن قاجاریه بار دیگر اهمیت یافت و نقش مهمی را در حکومت و همچنین اجتماع ایفا نمود. "نقش و جایگاه منصب شیخ‌الاسلام در ساختار حکومت قاجار و همچنین جایگاه و کارکرد آن در اجتماع" به عنوان ابهام و مسأله این پژوهش قلمداد شده است. پژوهش پیش رو بر آن است تا با روشی توصیفی - تبیینی و با استفاده از اسناد منتشر نشده همچون فرمان‌ها، ملفوفه‌فرمان و ... به سوال پژوهش پاسخ دهد. موضوع این پژوهش از جمله موضوعات نو و بدیعی است که تا کنون کمتر بدان پرداخته شده و تلاش شده است تا با بهره‌گیری از اسناد، شناختی بی‌واسطه و مستقیم از لقب و منصب شیخ‌الاسلامی، که روزگاری نه چندان دور از جمله جایگاه‌های تعیین‌کننده در سلسله مراتب اجتماعی و دینی ایران به شمار می‌آمد، به دست داده شود

\* استادیار تاریخ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (نویسنده مسئول)، ketabziba@yahoo.com

\*\* دانش‌آموخته تاریخ ایران دانشگاه اصفهان، alre.niknejad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که پادشاه از میان روحانیون با نفوذ ایالتی و ولایتی، شخصی را به عنوان شیخ‌الإسلام منصوب می‌کرد تا به عنوان رئیس محکمه قضایی، به رفع دعاوی خصوصی و عمومی بین اشخاص و امور شرعی مردم بپردازد. این منصب تا صدر مشروطه به عنوان یکی از مناصب مهم و برجسته این دوره، نقش و کارکرد اساسی در عرصه‌های گوناگون، از جمله در نظام قضایی و زندگی اجتماعی مردم ایران داشت

**کلیدواژه‌ها:** قاجار، شیخ‌الإسلام، محاکم شرع، نظام قضایی، اجتماعی

## ۱. مقدمه

در ساختار و بافت سنتی جامعه ایران در دوره اسلامی، علمای دین از دیرباز متولیان تشکیلات امور شرعی شناخته می‌شدند. این موضوع به ویژه در دوره شاهان صفوی پررنگ تر شد، چرا که آنان برای بسط اقتدار سیاسی خویش نیازمند تسلط هرچه بیشتر بر حوزه دینی و امور شرعی مردم بودند. شاهان صفوی در این راستا مناصب دینی و مذهبی چون صدر، ملاباشی و شیخ‌الإسلام را پایه گذاری کردند. در ساختار جدید، اشتغال به قضاوت، زعامت شرعی، رفع و رجوع دعاوی مردم در نظام حقوقی و قضایی منحصرأ به این طبقه اختصاص یافت. بدین ترتیب روحانیان به قدرت تأثیرگذاری فوق العاده ای در ساختار اجتماعی دست یافتند. این بنا و ساختار کمابیش در دوره های افشاریه و زندیه حفظ شد و به دوره قاجار که رسید تقویت نیز گردید.

منصب شیخ‌الإسلامی که تا صدور ملفوفه فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه و تأسیس مجلس شورای ملی، به عنوان یکی از مهم ترین مناصب قضایی در ساختار سنتی و نظام کهن ایران به شمار می آید چنانکه باید و شاید مورد توجه محققان و مورخان قرار نگرفته است، به گونه ای که درباره چند و چون و کارکرد این منصب ابهامات فراوانی وجود دارد. دربررسی صورت گرفته توسط نگارندگان روشن شد که پژوهش های اندک و کم شماری پیرامون این موضوع در ایران صورت گرفته که مهمترین آنها به قرار زیر است:

- مقاله «حرفه، همزیستی و پیوندهای محلی: عوامل ریشه دواندن منصب سلسله

تمّامی در شیراز دوره قاجاریه» نوشته امید رضائی، که در آن شجره تاریخی

منصب شیخ‌الإسلامی در خاندان تمّامی شیراز مورد ارزیابی قرار گرفته است.

کارکرد و جایگاه شیخ‌الاسلامی در دوره ... (محمدجواد مرادی‌نیا و علیرضا نیک‌نژاد) ۳۱۳

- کتاب «درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار» از همان مؤلف که در آن اشاره مختصری به گواهی اسناد شرعی توسط "شیخ‌الاسلام" شده است.
- کتاب «جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار» اثر ویلم فلور و نوشته‌های پراکنده و مختصری که در بعضی کتابها آمده است.

## ۲. تاریخچه "شیخ‌الاسلام"

در لابلای متون تاریخی که واکاوی می‌شود، لقب شیخ‌الاسلام، برای نخستین بار در اواخر قرن چهارم هجری، به عنوان منصبی دینی در خراسان به چشم می‌خورد. (نژادتولمی، دائرةالمعارف تشیع، ج ۱۰، ۱۳۸۳، صص ۱۵۹-۱۵۷) در قرن پنجم، اسماعیل بن رحمن، رئیس فقهای شافعی در خراسان را شیخ‌الاسلام خوانده‌اند (همان، صص ۱۵۹-۱۵۷). علاوه بر ایران، این منصب در حکومت عثمانی نیز وجود داشت و در قلمرو پادشاهان آن امپراتوری، شیخ‌الاسلام مفتی اصلی حکومت و رئیس سلسله مراتب علما، شناخته می‌شد. شیخ‌الاسلام در حکومت عثمانی، لقب رئیس مفتیان و قضات بود که او را سلطان تعیین می‌کرد. (لغتنامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۶۴۷، ذیل واژه شیخ‌الاسلام). منصب شیخ‌الاسلامی، علاوه بر ایران و عثمانی، در برخی نقاط دیگر مسلمان نشین جهان هم وجود داشته است، چنان که ابن بطوطه، از وجود این منصب در دستگاه حکومتی چین خبر داده است؛ منصبی که دارنده آن از سوی امپراتور مغولی کشور نصب می‌شده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۹۸)

پیشینه منصب شیخ‌الاسلامی در ساختار دیوانی دینی ایران هر چند به قرن چهارم هجری می‌رسد، اما کارکرد فراگیر و جدی آن در دوره بعد از سقوط مغولان در ایران و به ویژه صفویان دیده می‌شود. «شیخ‌الاسلام به جهت اعتباری که در دربار دارد، عالی‌ترین و مطلع‌ترین مقام قضایی محسوب می‌شود» (شاردن، ج ۶: ص ۵۳).

مشارالیه (شیخ‌الاسلام) درخانه خود به دعوای شرعی و امر به معروف و نهی از منکر می‌رسید و طلاق شرعی را در حضور شیخ‌الاسلام می‌دادند و ضبط مال غیب و یتیم اغلب با شیخ‌الاسلام بود و بعد از آن به قضاة مرجوع شد. (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸:

ص ۳)

جایگاه شیخ‌الاسلام و ملاباشی در دوره افشاریه تنزل پیدا کرد، (محمدکاظم مروی، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۷ ج ۲، ص ۴۵۵ و ۶۶۶) ولی در اوایل دوره قاجاریه اهمیت خود را تا حدودی بازیافت و وظایف و اختیاراتش کم و بیش احیا شد. اما باز هم با گذشت زمان به تدریج از قدرت آنها کاسته شد تا جایی که در اواخر عصر قاجار، شیخ‌الاسلام به کلی از مناصب رسمی حذف شد.

### ۳. شیخ‌الاسلام در دوره قاجار

با برآمدن قاجاریه، تحولی در موقعیت سیاسی و اجتماعی علما و روحانیون شیعه پدید آمد و موقعیت و نفوذ این طبقه در جامعه به رو به فزونی نهاد. وقوع این امر به معنای پیوند روسای محاکم شرعی و طبقه دینی از یک سو و دیوان و دربار پادشاهی از سوی دیگر بود و نیاز متقابل این دو طبقه به یکدیگر را می‌رساند. شاید بتوان افزایش نفوذ روحانیون در جامعه را به نیاز نهاد سلطنت و برخورداری آن نهاد از حمایت علما در جنگ‌های ایران و روس مرتبط دانست. عامل دیگر، پایگاه اجتماعی علما در میان توده مردم، حمایت آنها از رعایا در مقابل ظلم و ستم عمال دیوانی و حکومتی بود. بنابراین، شاهان قاجار از طبقه مذهبی برای بهبود موقعیت خود و تسلط بر رعایا استفاده می‌کردند. آنان در توزیع صوری وظایف و قدرت در شبکه دیوانی ممالک محروسه، بیش از هر چیز دیگر به روحانیون نیاز داشتند. در نظام حقوقی و قضایی قاجاران، رسیدگی به دعاوی و مرافعات خصوصی مردم در شهرها و ایالات به دو حوزه عرفی و شرعی تقسیم شده بود؛ رسیدگی به حوزه عرف بر عهده امیردیوان (وزیر دادگستری) (عبدالله مستوفی، ج ۱، ۱۳۸۶: ۱۷۲) و محاکم شرع بر دوش روحانیون بود. این کار در واقع به معنی واگذاری بخشی از اختیارات قضایی شاه به صاحبان این مناصب بود.

در دوره قاجار، ممالک محروسه ایران، به ایالات مختلف تقسیم می‌شد و در هر کدام از ایالات و ولایات، مقامی قضایی، موسوم به شیخ‌الاسلام، که از جمله روحانیون بلندمرتبه به شمار می‌آمد، از طرف حکومت مرکزی منصوب می‌شد.

گاسپار دروویل، در سفرنامه خود اشاره می‌کند که روحانیون ایران چند درجه‌اند و در رأس آنها شیخ‌الاسلام است و رهبری شیعیان را بر عهده دارد. (گاسپار دروویل، ۱۳۸۹:

کارکرد و جایگاه شیخ‌الاسلامی در دوره ... (محمدجواد مرادی‌نیا و علیرضا نیک‌نژاد) ۳۱۵

صص ۱۳۴-۱۳۳). البته این ادعا که شیخ‌الاسلام در هر محل واقعا رهبر شیعیان آن منطقه بوده جای تردید جدی وجود دارد.

به هر ترتیب اعطای منصب عالی قضاوت به طبقه روحانی، منجر به ایجاد موقعیت ثابت و افزایش املاک و حقوق مستقل برای آنها در زمینه اداره محاکم شرع گردید و شیخ‌الاسلام‌ها به دسته ای قدرتمند از طبقه روحانی مبدل شدند. (اعتمادالسلطنه، ج ۱، ۱۳۷۴: ص ۳۷۵).

در این دوره شیخ‌الاسلام‌ها در ایالات "اهالی شرع" به شمار می‌رفتند و نام آنان در کتابچه‌های دخل و خرج حکومتی پس از نام مجتهدان، ذیل عنوان "اهالی شرع" قرار گرفت؛ چنانکه در آلبوم بیوتات مستمریات کل ممالک محروسه سال ۱۳۰۲ قمری قابل مشاهده است. در فهرست مزبور به ترتیب طبقه مجتهدین، صدر دیوانخانه، شیخ‌الاسلام و سرانجام نائب‌الصدر قرار داشت. (ساکما، ۷۲۲۰-۲۹۵ و ۷۲۲۱-۲۹۵).

منصب شیخ‌الاسلام در ایالات موروثی بود، چنان که پس از فوت میرزامهدی قاضی، شیخ‌الاسلام تبریز در سال ۱۲۷۰ هجری، چند تن از پسرانش بدین منصب رسیدند (نادر میرزا، ۱۳۹۳: صص ۲۱۱، ۳۵۳-۳۵۵، ۶۷۷).

در دوره قاجار علاوه بر مراکز ایالات، هر ولایتی نیز دارای شیخ‌الاسلام بود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: صص ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۴۲، ۲۹۴ و فسائی، ج ۲، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰۹ و جیمز بیلی فریزر، ۱۳۶۴: ص ۱۵۲). از ملفوفه فرمان<sup>۱</sup> و رقم<sup>۲</sup> مظفری برمی‌آید که شیخ‌الاسلام مرکز ایالت توسط شاه و شیخ‌الاسلام شهرها توسط شاهزاده حکمران منصوب می‌شدند. (ساکما، ۴۲۶-۲۹۶). گاهی شیخ‌الاسلام ایالتی از مرکز و توسط شاه تعیین می‌شد و شاه طی ملفوفه‌فرمانی به حکمران ایالت دستور می‌داد که آن شخص را به آن منصب برقرار کند. (ساکما، ۴۲۴-۲۹۶). حکمران ایالتی نیز برای شیخ‌الاسلام مواجبی در نظر می‌گرفت. حقوق و مواجب وی (اعم از نقد یا جنس) در همان محل خدمت، تعیین می‌گردید و توسط کارگزاران دیوان استیفای آن ایالت پرداخت می‌شد. از رقمی دیگر (انتصاب میرزاحسین به لقب و منصب شیخ‌الاسلامی مرند، مورد عنایت مظفرالدین میرزا ولیعهد و صاحب‌اختیار آذربایجان) برمی‌آید که بعضا اضافه مستمری نیز به شیخ‌الاسلام تعلق می‌گرفت. (ساکما، ۴۲۴-۲۹۶، صص ۲ و ۱)

بعد از جلوس شاه جدید، فرمان جدیدی صادر می‌شد و در آن نام مستمری‌گیرنده فرمان ذکر، تأیید و به اجرا گذاشته می‌شد. (حمیده سلطانی مقدم، پیام بهارستان، ۱۳۸۹: ص ۱۷) به عبارت دیگر فرمان شاه جدید به دو دلیل صادر می‌شد: ۱. به خاطر تأیید فرمان شاه ماضی ۲. به منظور پرداخت حقوق و مستمری‌گیرنده فرمان. علاوه بر آن، در تعقیب فرمان، شاه انتصاب شیخ‌الاسلام را طی یک طغراء ملفوفه فرمان به حاکم ایالت اعلام می‌کرد. از طرفی شواهدی موجود است که بعضاً با رأی و نظر پادشاه در مرکز ایالت دو شیخ‌الاسلام گمارده می‌شد. برای نمونه، ملفوفه فرمانی از ناصرالدین شاه متعلق به سال ۱۲۹۳ هجری قمری که در خطاب به حاجی شهاب‌الملک - حاکم کردستان صادر شده است، بنابر محتوای آن، به امر او همزمان دو نفر در کردستان شیخ‌الاسلام بودند. همچنین بر می‌آید که یک شخص در ابتدا ملقب به لقب شیخ‌الاسلامی می‌شد و سپس فرمان انتصاب صادر می‌شده است. (ساکما: ۴۲۴-۲۹۶).

بنابر گفته فلور، در شهرهای بزرگ یک قاضی شرع هم زیر نظر شیخ‌الاسلام انجام وظیفه می‌کرد. (ویلیم فلور، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۱۳۸).

#### ۴. نحوه انتصاب و شرایط احراز شیخ‌الاسلامی

احراز مقام و جایگاه شیخ‌الاسلامی تابع شرایط و عوامل چندی بود که در این میان درجه فقاقت شرط نخست محسوب می‌شد. شخص منتصب می‌بایست از سلک روحانیت و آراسته به فقاقت و واقف به امور شرعی می‌بود. به عبارتی اصولاً فردی از طبقه روحانی و مسلط به احکام دینی به این شغل منصوب می‌گردید. (حمیده سلطانی مقدم و سعیده سلطانی مقدم، ۱۳۸۹: ص ۱۲).

سابقه و ملاحظه خانوادگی، نیز از دیگر ویژگی‌ها و شرایط احراز لقب و تصدی منصب شیخ‌الاسلامی شناخته می‌شد. (ساکما، ۴۲۴-۲۹۶: ص ۱).

علاوه بر این‌ها انتصاب شیخ‌الاسلام معمولاً مورثی بود و از پدر به پسر می‌رسید؛ پسری که در کسوت روحانیت بود؛ چنانکه گاه اتفاق می‌افتاد این منصب چندین نسل در یک خانواده باقی می‌ماند و از یک عضو، به عضو دیگر خانواده منتقل می‌شد. (نادر میرزا، ۱۳۹۳: صص ۳۵۵-۳۵۳ و فسائی، ج ۲، ۱۳۹۲، ص ۹۲۱ و حمیده سلطانی مقدم، ۱۳۸۹: ص ۲۱). از محتوای ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه پیداست که یکی از دلایل انتصاب



کارکرد و جایگاه شیخ‌الاسلامی در دوره ... (محمدجواد مرادی‌نیا و علیرضا نیک‌نژاد) ۳۱۷

ملا مهدی به شیخ‌الاسلامی، به ملاحظه تصدی پدرش در این شغل بوده است. (ساکما: ۴۲۴-۲۹۶). اعتمادالسلطنه در تاریخ منتظم ناصری در مورد وقایع سال ۱۲۷۸ هجری قمری می‌گوید: «شیخ‌الاسلام تبریز به نام میرعلی اصغر شیخ‌الاسلام فوت کرد، پسرش میرزا ابوالقاسم به جای وی به منصب شیخ‌الاسلامی منصوب گردید». (اعتمادالسلطنه، ج ۳، ۱۳۶۷: ص ۱۸۴۳)

در رکن اشتیاق<sup>۳</sup> ملفوفه رقمی که در سال ۱۳۱۱ هـ ق توسط مظفرالدین میرزای ولیعهد در مورد شخصی به نام میرعلی صادر شده نیز آمده است که منصب شیخ‌الاسلامی مرند به طور موروثی، مخصوص خانواده آقامیرعلی بوده است و پس از درخواست پسرش، با توجه به سابقه شیخ‌الاسلامی در خانواده‌اش، منصب شیخ‌الاسلامی مورد موافقت مظفرالدین میرزا واقع گردید.<sup>۴</sup> (ساکما، ۱۲۱۸۲-۲۹۶: ص ۳ و اعتمادالسلطنه، ج ۳، ۱۳۶۷: ص ۱۸۴۳)

به طور معمول با فوت شیخ‌الاسلامی، شغل و منصبش به پسران او واگذار می‌شد و در صورتی که شیخ‌الاسلام متوفاً فاقد اولاد ذکور می‌بود، به برادر و برادرزاده یا دیگر اعضای خانواده او واگذار می‌شد. به عنوان مثال، بر اساس سند شماره ۸۱۵۹-۲۹۵ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران که متعلق به تاریخ ۱۲۵۶ ق است، شخصی به نام میرزا محمدرضای خلخال برادرزاده شیخ‌الاسلام متوفاً، از محمدشاه درخواست منصب شیخ‌الاسلامی می‌کند، محمدشاه در پاسخ به این درخواست او دستور می‌دهد که اگر شیخ‌الاسلام متوفاً دارای اولاد ذکور باشد، این منصب به پسر او منتقل می‌شود، پس از تحقیق مشخص می‌شود که وی داری پسر نزدیک به سن بلوغ است، این شغل و مقام تا زمان بلوغ پسرش، در اختیار برادرزاده وی باشد تا آن پسر درست بزرگ بشود:

هو الله تعالى شأنه العزيز - يا من يجيب دعوة المضطرين - فهرست دعاگوی قدیمی میرزا محمدرضای خلخال برادرزاده آقامهدی شیخ‌الاسلام خلخال. فدایت شوم. آقامهدی شیخ‌الاسلام خلخال که از جمله دعاگویان این اوجاق گردون‌رواق بود، پارسال عمر خود را بخاکپای توتیا‌سای اقدس شهریاری روحی و روح‌العالمین فداه سپرده، تصدق فرق مبارک شده است، منصب شیخ‌الاسلامی خلخال ابا و اجداداً وارثاً باین دعاگویان منتقل شده، حال فدوی خود را سزاوار منصب مزبوره دیده، جرئت عرض می‌نماید که منصب شیخ‌الاسلامی خلخال را موافق فرمان شاهی که سابقاً بعمومی فدوی مرحمت شده است، واگذار فرمایند که بامیدواری تمام بشغل منصب

مزبوره اشتغال نموده دعاگوی عمر و دولت ابدمدت باشد. استدعای ثانی اینکه مبلغ پنجاه تومان نقد و مقدار بیست و پنج خروار جنس برسم مستمری موافق فرمان شاهی و رقم نواب غفران مآب ولیعهد مرحوم و مغفور طاب ثراه هر سال باقامهدی معاش و گذاران مرحمت و در عوض نقد و جنس فوق، تیول التفات شده بود، استدعا از کرم بیکران شهریارآن دارم که مستمری مذکور را باین دعاگو و صغیران آقامهدی مرحوم التفات بفرمایند که صرف گذران خود و صغیران آقامهدی نموده، بفارغبالی مشغول دعاگویی باشد. دو فقره عرض است، حکم حکم همایون است. **هامش سمت چپ صدر صفحه:** به نظر همایون رسید. **هامش سمت راست صدر صفحه:** اگران مرحوم پسر داردمنصب شیخ‌الاسلامی با او باید باشد. پرسیدم پسر دارد که بسن نزدیک بلوغ است این که برادرزاده اوست مراقب احوال و کار او باشد تا آن پسر درست بزرگ بشود. **هامش ذیل صفحه:** مال پسر مرحوم آخوند باید باشد. (ساکما، ۸۱۵۹-۲۹۵)

در موردی دیگر ملاقات حضوری شخصی به نام ملامهدی و در خواست شیخ‌الاسلامی از شاه، به انتصاب این شخص به منصب شیخ‌الاسلامی انجامید. ناصرالدین شاه به حاکم کردستان اشاره می‌کند، از آن جایی که پدر ملامهدی قبلاً شیخ‌الاسلام بوده و اکنون وفات یافته است، به خاطر این که ملامهدی در حال حاضر از دعاگویان است، به لقب شیخ‌الاسلامی ملقب گردید. (ساکما: ۴۲۴-۲۹۶) بر اساس مندرجات این سند، ملاطف‌اله کردستانی از گذشته به لقب شیخ‌الاسلامی ملقب بوده و کماکان باقی بماند. یعنی با انتصاب شیخ‌الاسلام دیگر به نام ملامهدی، ملاطف‌الله<sup>۵</sup> نیز شغل و لقبش را از دست نداد، چنان که شاه در پایان ملفوفه فرمان، به حاکم کردستان دستور می‌دهد که هر دو شیخ‌الاسلام را به رسمیت بشناسد و هر دو با توجه به درخواست و بنا بر میل مردم می‌توانند به رفع دعاوی بپردازند. (ساکما، ش ۴۲۴-۲۹۶)

علاوه بر آن، گاهی بعد از فوت یک شیخ‌الاسلام، شاه همزمان دو پسر او را بدان منصب می‌گمارد. گرچه شیخ‌الاسلام به اراده و فرمان شاه برگزیده می‌شد، اما تمایل مردم نیز در انتصاب آن‌ها مؤثر بوده است، چنان که شهرت و خوشنامی و مقبولیت عامه روحانیون در شهرها و ایالات نیز شرط دیگری بود که منجر به انتصاب به این سمت می‌شد.

افراد دیگری از قشر روحانی موسوم به «آقا» در زمینه قضایی زیر نظر شیخ‌الاسلام‌ها بودند و دعاوی بین مردم را حل و فصل می‌کردند، در صورتی که دو طرف دعوا نسبت به

کارکرد و جایگاه شیخ‌الاسلامی در دوره ... (محمدجواد مرادی‌نیا و علیرضا نیک‌نژاد) ۳۱۹

رأی و قضاوت وی اعتراض داشتند، به شیخ‌الاسلام رجوع می‌کردند. (گاسپار دروویل، ۱۳۸۹: صص ۱۳۴-۱۳۳)

## ۵. وظایف شیخ‌الاسلام

شناسایی و پی‌بردن به وظایف، قلمرو و حدود اختیارات شیخ‌الاسلام و ساختار دستگاه شیخ‌الاسلامی دشوار است و با توجه به شواهد اندکی که در این زمینه وجود دارد، به آسانی نمی‌توان به وظایف آن پی برد. بخشی از این امر به علت کمبود و فقدان منابع است. به عنوان مثال، دقیقاً روشن نیست که نظارت بر اعمال شیخ‌الاسلام برعهده چه کسی بوده است.

تشخیص حد و مرز و تفاوت میان کارکرد قضایی شیخ‌الاسلام با وظایف دیوانخانه نیز مشخص نیست و نمی‌توان دریافت که این دو در این زمینه وظایف یکسانی داشته‌اند یا این که کارکرد هرکدام بین دو حوزه عرفی و شرعی تقسیم می‌شد. چنان که می‌دانیم دیوان‌بیگی از مناصبی بوده که با تأسیس دیوانخانه که در سال ۱۲۷۵ هـ ق تأسیس شد، به وجود آمد و ناصرالدین شاه عباسقلی خان معتمدالدوله جوانشیر را به ریاست دیوانخانه منصوب کرد. (دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲، صص ۶ و ۲۹۰-۲۷۳)

با وجود فقدان چارچوبه‌ای دقیق در باب شیخ‌الاسلامی، از محتوای اسناد فرامین و ملفوفجات و ارقام برجای مانده می‌توان بخشی از وظایف و کارکرد این شغل را بررسی کرد. مثلاً از میان این اسناد می‌توان به فرمان فتحعلی شاه خطاب به امان‌الله خان والی کردستان اشاره کرد که ملاعباس را به شیخ‌الاسلامی منصوب کرد تا به عقود و رفع منازعات و مشاجرات بین‌المسلمین رسیدگی کند. (ساکما: ۲۸۲-۹۹۷)

همچنین می‌توان به رقم عباس‌میرزای ولیعهد اشاره کرد. در این رقم عباس میرزا آقامیرسیدعلی شیخ‌الاسلام الکاء مرند و زوز و گرگر را منصوب کرد تا در اجرای احکام شریعت مشغول باشد. (ساکما: ۱۲۱۸۴ - ۲۹۶) (تصویر ۳)

ملفوفه سالارالدوله به تاریخ ۱۳۳۰ هـ ق نیز نمونه‌ای از وظایف شیخ‌الاسلام است:

چون شغل جلیل قضای کل و منصب شیخ‌الاسلامی ولایت کردستان سنین عدیده و متوالیه بموجب فرامین قضاآیین سلاطین سلف و شاهنشاهان مبرور انار الله بُرْهَانَهُمْ اَباً عَنجَدٍ از امتیازات مخصوصه و مشاغل موروثه و منصوصه خانواده جناب مستطاب

شریعتمدار آقاملاابراهیم شیخ‌الاسلام سلمه الله بوده و آباء و اجداد گرام معزی‌الیه عمر خود را در دعاگویی و خدمت دولت ابدآیت پبیان رسانده و خود معزی‌الیه که چندی است متصدی این شغل است در کمال تقوی و دیانت بلوازم آن و اصلاح امور بین العباد پرداخته و این اوقات مراتب دعاگویی معزی‌الیه بعرض اقدس همایونی ما رسیده خاطر نصفت‌مظاهر خورسند و مستوجب بذل مراحم ملوکانه گردیده محض استظهار و امیدواری جنابمشارالیه بصدور این ملفوفه عنایت‌مألوفه امر و مقرر میفرمائیم که شغل و منصب مزبور کماکان و بالاستقلال بمعزی‌الیه مرجوع و واگذار است و البته معزی‌الیه نیز بموجب این اذن و اجازه صریح لفظی که از جانب سنی‌الجواب اقدس ما بایشان داده شده با کمال اطمینان بمراحم ملوکانه و الطاف شاهانه چنانکه باید و شاید و از مراتب فضایل و دیانت و امانت او سزد و آید بلوازم این شغل و نشر احکام شرع مبین و ترویج دین حضرت ختم‌المرسلین قیام و اقدام نماید و با جدّ وافی و جهد کافی باجرای احکام و عقود شرعیه از مرافعات و معاملات و مبیعات و مناکحات و توریث و موارث و متروکات و ولایت عام و حفظ حقوق و اموال اصغار و ایتام و غایبین و اصلاح بین مسلمین و نظارت موقوفات و عزل و نصب نواب شرع دهات و تعیین قضاة و مشایخ‌الاسلام بلوکات که از لوازم مختصه اینمقام است مشغول و با کمال خلوص عقیدت بدعاگویی خلود دولت ابدمه اشتغال ورزیده روز بروز بر مدارج مراحم و الطاف همایونی ما نسبت بخود بیفزاید. مقرر آنکه جنابان مستطاب علما و فقها کردستان و اعیان و اشراف و عموم اهالی جناب معزی‌الیه را که همواره مورد مراحم ملوکانه ما بوده و هست شیخ‌الاسلام بالاستقلال ولایت کردستان دانسته و لوازم این شغل جلیل را بایشان واگذار و اسناد و صکوک شرعیه خودشانرا بمهر و امضای معزی‌الیه قرین اعتبار بدانند و توقیرات و احترامات لازمه اینمقام را خاصه در مجالس رسمیه و مسجد جامع نسبت باو مرعی و منظور دارند المقرر کتاب دارالإنشاء شرح این فرمانرا ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۰. (ساکما: ۱۹۵-۹۹۷)

بدین ترتیب می توان ادعا کرد رسیدگی و صدور احکام دعاوی و حل و فصل مشاجرات و نزاع های شخصی و عمومی از وظایف و اختیارات شیخ‌الاسلام بوده است. گذشته از وظایف قضایی، شیخ‌الاسلام مسئول ثبت و گواهی اسناد و سجات، انعقاد عقود و نظارت بر معاملات نیز بوده است و اسناد شرعی، معاملات و دیگر سجات با مهر و امضای شیخ‌الاسلام جنبه قانونی و رسمی پیدا می کرد. برای نمونه، مظفرالدین میرزا در

کارکرد و جایگاه شیخ‌الاسلامی در دوره ... (محمدجواد مرادی‌نیا و علیرضا نیک‌نژاد) ۳۲۱

ملفوفه‌رقم ذکر می‌کند که علما و سادات مرند مهر او را در سجالات و نوشتجات معتبر بدانند. (ساکما، ۴۲۴-۲۹۶:ص ۱) به این ترتیب اسناد شرعی در شهرها و ایالات توسط شیخ‌الاسلام نوشته می‌شد یا به صحه او می‌رسید. از آن جایی که نوشتن اسناد شرعی تخصص خاصی به نام زبان حقوقی و شرعی را می‌طلبد، تنها علمای دین می‌توانستند اسناد را تهیه و تدوین نمایند؛ اسناد شرعی دوره قاجار مانند: نکاح‌نامه، صداق‌نامه، طلاق‌نامه، مبیعه‌نامه، مرهونه‌نامه، اجاره‌نامه، شرکت‌نامه، تقسیم‌نامه، ذمه‌نامه، وکالت‌نامه، حبس‌نامه، وقف‌نامه، هبه‌نامه، نذرنامه، مصالحه‌نامه، وصیت‌نامه، اقرارنامه، شهادت‌نامه، گواهی‌نامه، اظهارنامه و ورقه‌حکمی (امید رضائی، ۱۳۹۰: صص ۲۱۶-۷۹).

یکی دیگر از کارکردهای شیخ‌الاسلام، کفالت و سرپرستی یتیمان و بی‌سرپرستان بوده است. چنان که شیخ‌الاسلام محمدرضای خلخالی به دستور محمدشاه ملزم و موظف شد از عموزادگان بی‌سرپرستش تا رسیدن به سن بلوغ رسیدگی و سرپرستی کند. (ساکما، ۸۱۵۹-۲۹۵)

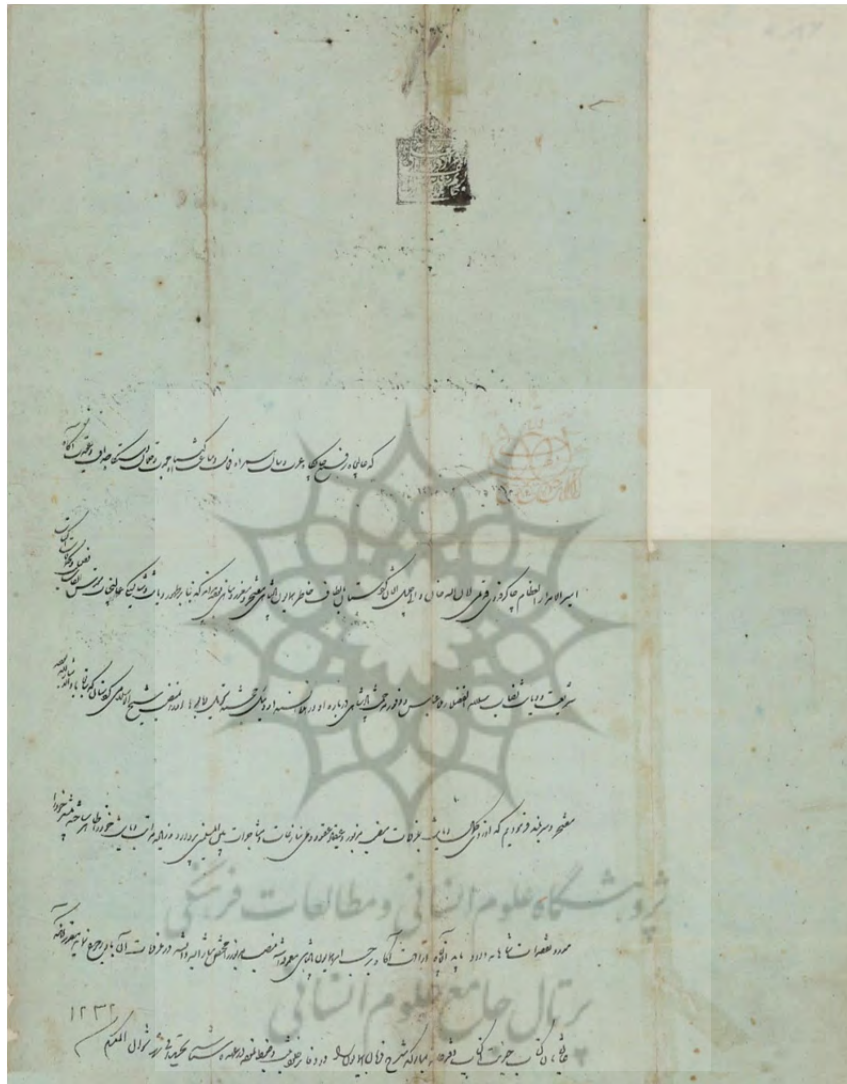
شیخ‌الاسلام‌ها جدا از وظایف محوله، با توجه به نوع رابطه و جایگاه شان با حکومت مرکزی، در مراسم و مناسبت‌های مختلف حکومتی نیز حضور داشتند و گاهی به مأموریت‌های ویژه به عنوان سفرای خاص شاهان قاجار فرستاده می‌شدند. به عنوان مثال، در دوره قاجار، یکی از این شیخ‌الاسلام‌ها به جهت جایگاه مذهبی و اجتماعی ویژه‌اش در نزد فتحعلی‌شاه، عهده‌دار انجام مأموریت سیاسی از سوی فتحعلی‌شاه نزد سلطان عثمانی گردید. در سال ۱۲۲۲ هـ ق شیخ‌الاسلام خوی به نام آقاابراهیم برای تهنیت جلوس سلطان عثمانی، مصطفی‌خان، به آن کشور فرستاده شد. (علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ص ۱۱۶؛ اعتمادالسلطنه، ج ۳، ۱۳۶۷: ص ۱۴۸۷، خورموجی، ج ۱، ۱۳۴۴: ص ۱۴ و هدایت، ج ۹، ۱۳۳۹: ص ۴۴۰).

شیخ‌الاسلام‌ها بعضاً در حکم سخنگوی حکومت مرکزی نیز بودند. همین امر آنها را در زمره گروه‌های منتقد و تأثیرگذار سیاسی و اجتماعی در ساختار حکومت قرار می‌داد. این امر نشانگر میزان تقریب و قدرت آنها در نزد پادشاه بوده است.

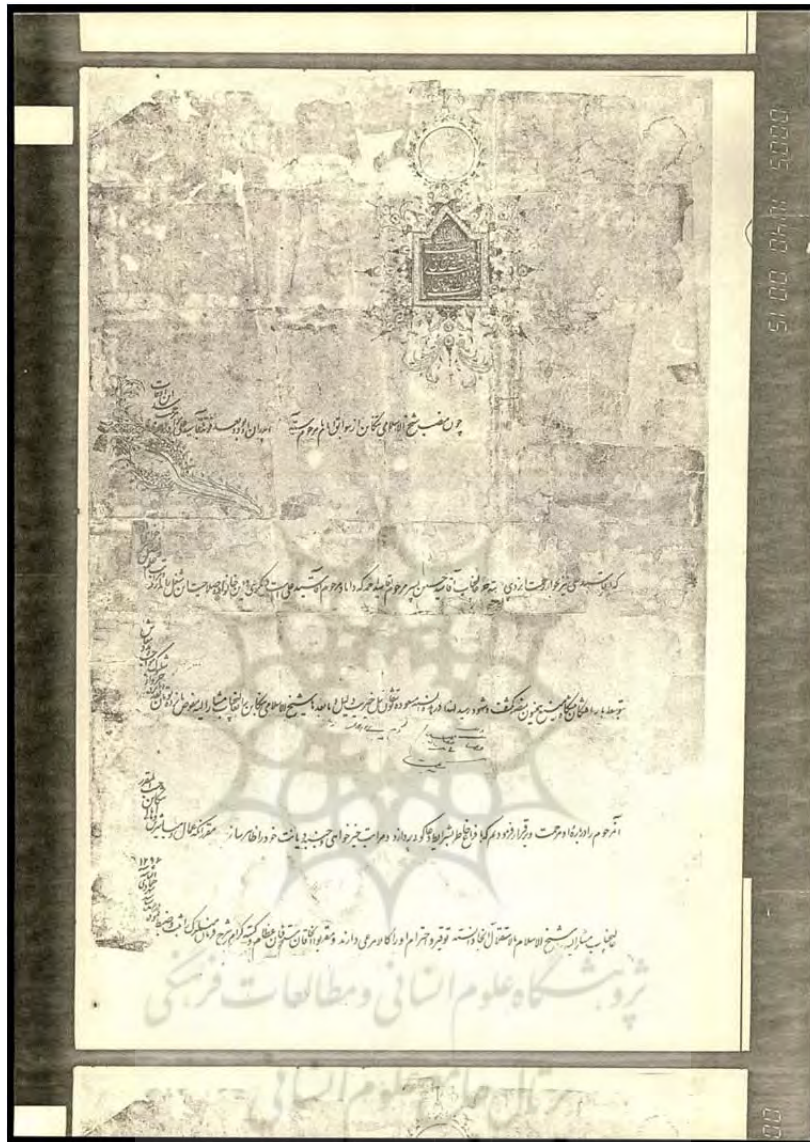
## ۶. نتیجه‌گیری

همانطور که در این مقاله آمد، علمای دین در کانون توجه حکومت مرکزی قرار داشتند و به لحاظ ساختاری، ساختار محاکم شرعی در نظام حقوقی حکومت قاجار زیر نظر تشکیلات دینی و علمای دینی و طبقه روحانی به نام شیخ‌الاسلام قرار می‌گرفت. این مقام حکومتی یکی از معتبرترین و نیرومندترین صاحب‌منصبان ایالتی و ولایتی محسوب می‌شد و نقش مهمی را در سلسله مراتب اجتماعی ایفا می‌کرد. در دوران قاجاریه مانند ادوار پیشین لقب شیخ‌الاسلام کماکان از طرف دربار به علمای متنفذ اعطاء می‌شد و همیشه رابطه خوب و حسنه‌ای بین آن دو نهاد برقرار بود. آراستگی به فقهت، موروثی بودن و تمایل مردم، شرایط احراز منصب شیخ‌الاسلامی به شمار می‌آمد، هرچند موروثی بودن باعث تحت الشعاع قرار گرفتن بقیه صلاحیت‌های لازم برای تصدی این منصب و دریافت لقب شیخ‌الاسلامی می‌گردید. در کنار محاکم قضائی، نشر احکام شرع و ترویج دین و اجرای احکام و عقود شرعیه از مرافعات و معاملات و مبیعات و مناکحات و توریث موارث و متروکات و ولایت عام و حفظ حقوق و اموال اصغار و ایتم و غایبین و اصلاح بین مسلمین و نظارت موقوفات و عزل و نصب نواب شرع دهات و تعیین قضاة و مشایخ‌الاسلام بلوکات که از لوازم مختصه این مقام بود را بر عهده داشتند، ولی این به معنای استقلال شیخ‌الاسلام‌ها از دستگاه و حکومت مرکزی نبود، بلکه شاه به عنوان سایه خدا بر روی زمین و عالی‌ترین مقام قضایی با صلاحدید خود و مطابق برخی سنت‌های اسلامی، اداره محاکم شرعی را به علمای دینی واگذار می‌کرد. بنابراین شیخ‌الاسلام‌ها در محاکم شرع به عنوان بخشی از ساختار و مجموعه صاحب‌منصبان حکومتی در حوزه مناصب دینی و وابسته نظام سیاسی، حکومتی، موجب‌بگیر شاه و حکومت مرکزی بودند. بنابراین باید صاحبان این مناصب را از وابستگان دستگاه سیاسی حکومت قاجار دانست و به لحاظ اقتصادی نیز وابسته به حکومت مرکزی بودند و شاهان قاجار در کنار انتصاب شیخ‌الاسلام‌ها برای حل دعاوی، به جهت آن که این صنف واسطه بین مردم و حکومت بودند، از کارکرد دیگر آن‌ها نیز می‌توانستند برای ایجاد تعادل و توازن بین مردم در جهت تقویت حکومت مرکزی استفاده ببرند. از طرف دیگر، از طریق پیوندهای محلی، باعث افزایش پایگاه اجتماعی و حتی اقتصادی آنها می‌گردید و گاهی آنها در نقش سفارت نیز شرکت داشتند.

### پیوست‌ها

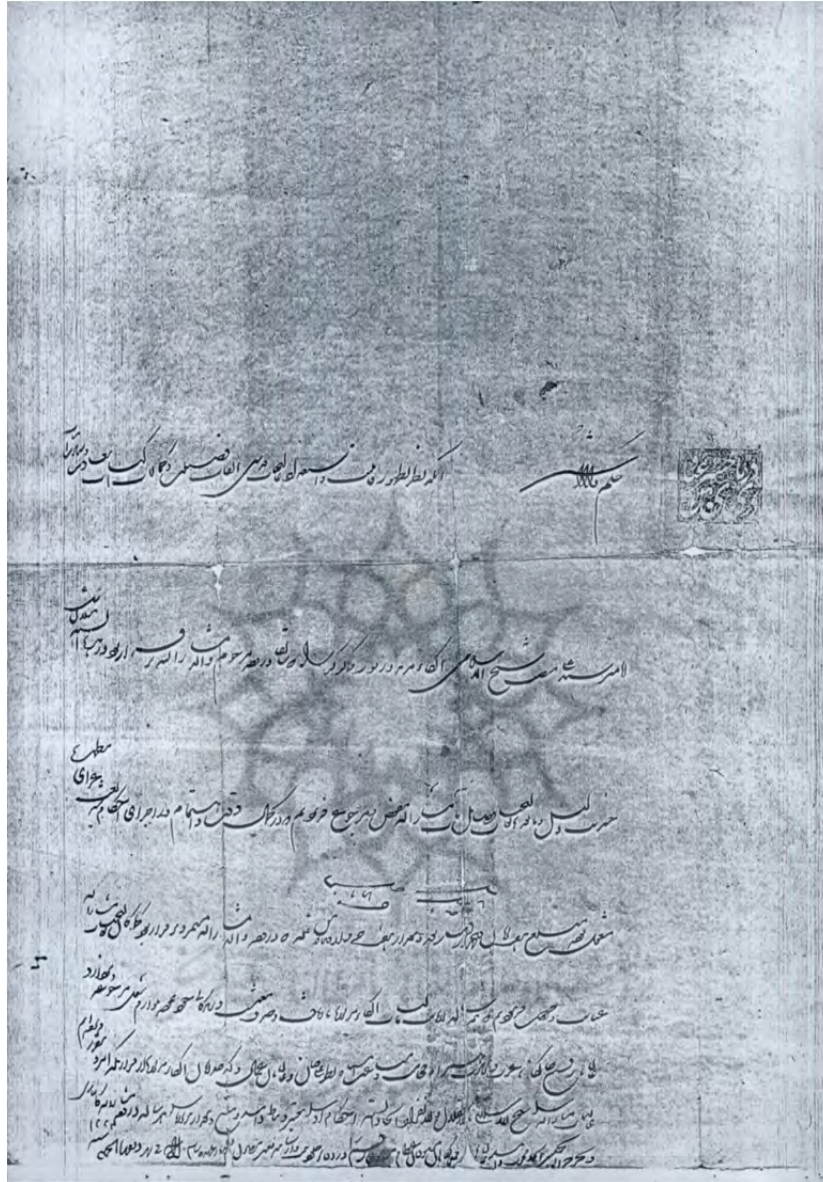


فرمان شیخ‌الاسلامی ملاعباس (ساکما: ۸۴-۹۹۸)

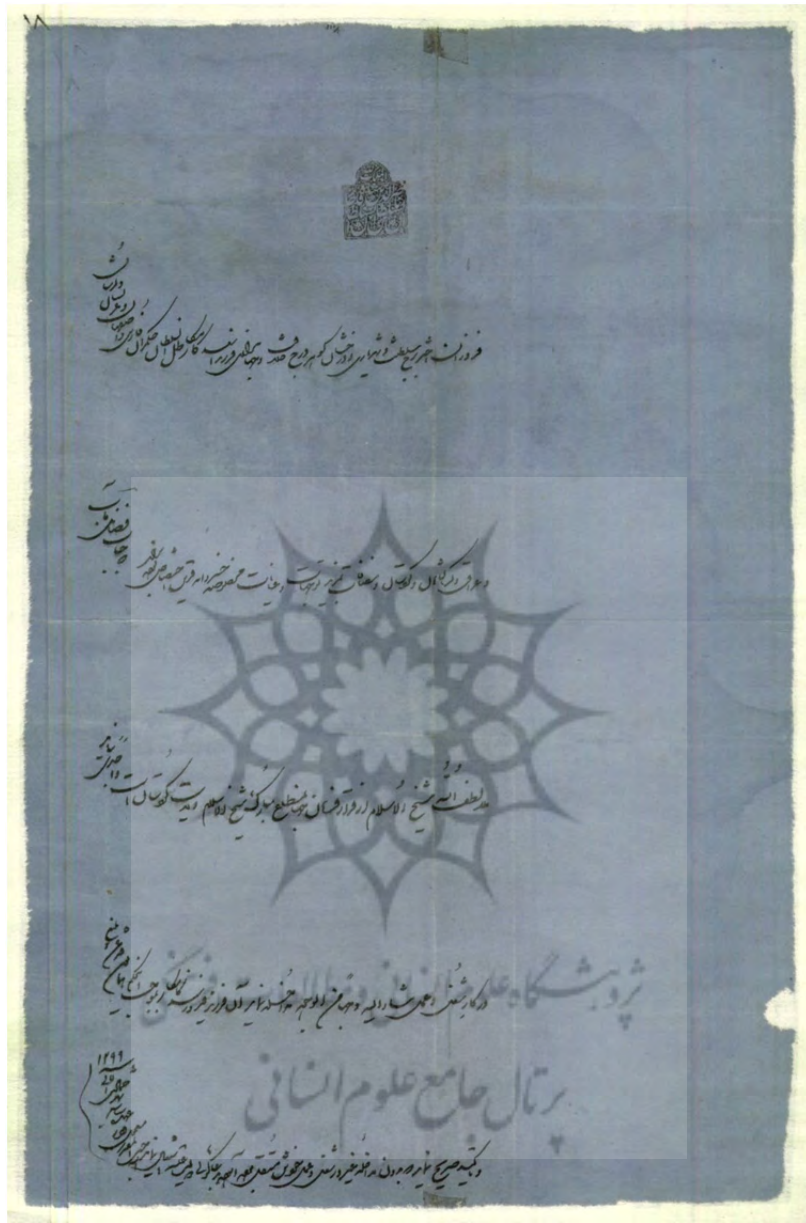


فرمان شیخ الاسلامی تنکابن (ساکما: ۸۴-۹۹۸)

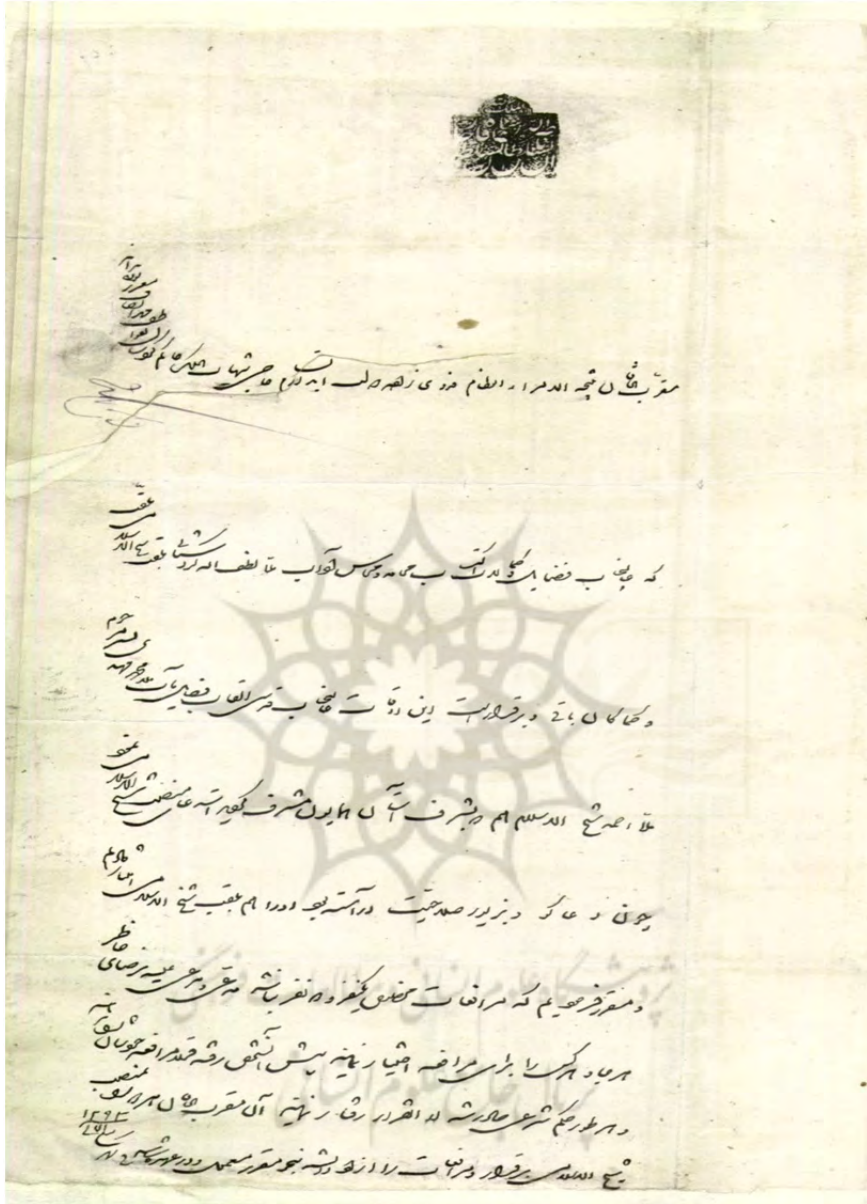


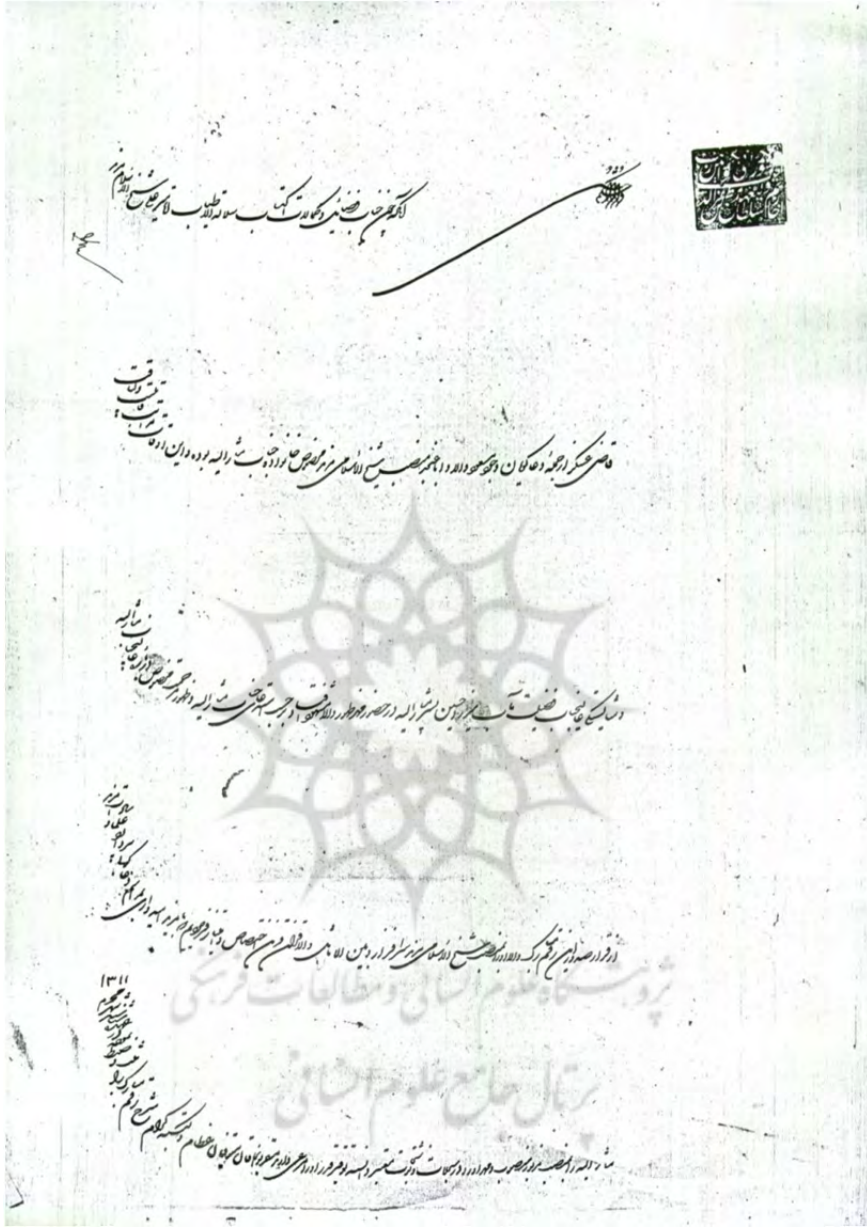


رقم عباس میرزا در خصوص آقامیرسیدعلی شیخ‌الاسلام مرند و زنوز و گرگر (ساکما: ۱۲۱۸۴ - ۲۹۶)

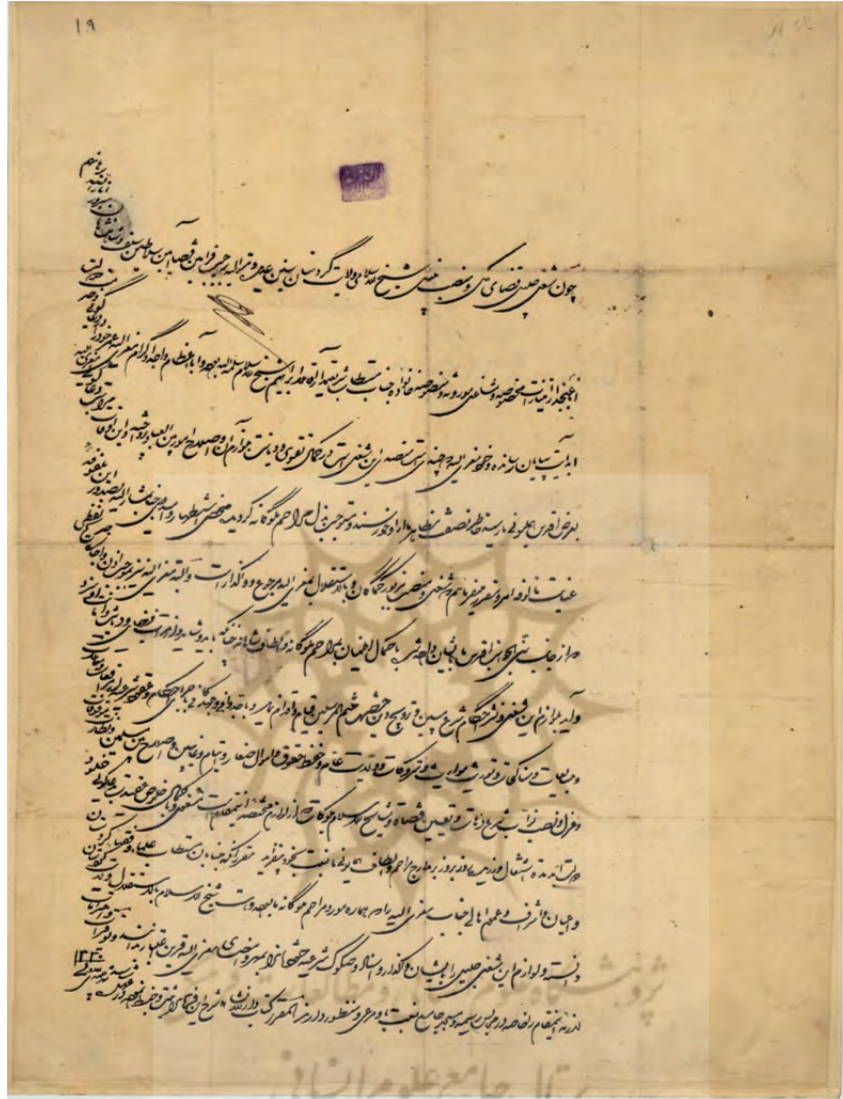


ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به ظل السلطان در مورد شیخ الإسلام کردستان (ساکما: ۴۱۳-۲۹۶)





ملفوفه رقم مظفرالدین میرزا در مورد انتصاب میرزا حسین به شیخ الاسلامی مرند (ساکما: ۱۲۸۲-۲۹۶)



ملفوفه سالارالدوله (ساکما: ۱۹۵-۹۹۷)

## پی‌نوشت‌ها

۱. ملفوفه فرمان نوعی از اسناد سلطانیات دوره قاجار است و به اوامر و دستوراتی که موشح به علامت سلطان (طغرا) نباشد و قطع آن کوچکتر از قطع فرمان باشد و به مهر کوچک پادشاه مهر شده و مقید به ثبت دفتر نباشد، ملفوفه فرمان می‌گویند. بنگرید به مقاله: شناخت و بررسی ملفوفه فرمان در دوره قاجار، علیرضا نیک‌نژاد و مرتضی نورائی و مرتضی دهقان‌نژاد، گنجینه اسناد، س ۲۴، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۳، ۸۳، ۶۶، صص ۸۳-۶۶.
۲. در عصر قاجار به دستورات و اوامر مکتوب دیوانی حکام شاهزاده ایالات و اژه رقم اطلاق می‌شد و ارقامی که به نام شخص یا گروهی خاصی صادر می‌شدند و ممکن بود در پاسخ به عرایض اشخاص یا متضمن توصیه، سفارش، عتاب و خطاب باشند، ملفوفه رقم می‌گفتند. بنگرید به مقاله: رقم و ملفوفه رقم در عصر قاجار، علیرضا نیک‌نژاد و اکبر شریف‌زاده، گنجینه اسناد، س ۳۱، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۱۲۰-۱۴۵.
۳. به شرح وصف یا محتوای متن سند که مابین مقدمه و مؤخره می‌آید و مهم‌ترین قسمت آن، که غرض اصلی صادرکننده سند را شامل می‌شد، شرح یا رکن اشتیاق اطلاق می‌گفتند. بنگرید به: دستور دبیری، محمد بن عبدالخالق میهنی، تصحیح اکبر نحوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۰.
۴. نکته قابل تأمل در این ملفوفه رقم آن است که آقامیرعلی در کنار منصب محکمه شرعی و قضایی، قاضی عسکر نیز بوده است؛ بدین خاطر، به وجود چنین منصبی در دوره قاجار پی برده می‌شود. ساکما، ۱۲۱۸۲-۲۹۶: ص ۳.
۵. «ملالطف‌اله» همانطوری که در بالا اشاره شد، در زمان ناصرالدین‌شاه همزمان با شخص دیگری شیخ الاسلام کردستان بود، توسط حسام‌السلطنه برای تصدی منصب شیخ‌الاسلامی به کرمانشاه فراخوانده شد. (میرزا حسین خان دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲: صص ۱۳۹ و ۱۰۶)

## کتاب‌نامه

اسناد:

آرشیو اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فرمان فتحعلی‌شاه به امان‌الله‌خان والی کردستان، ۱۲۳۲ ق، ۸۴-۹۹۸.

----- فرمان ناصرالدین‌شاه در خصوص

شیخ‌الاسلامی تنکابن، ۱۲۳۶ ق، ۸۴-۹۹۸.

کارکرد و جایگاه شیخ‌الاسلامی در دوره ... (محمدجواد مرادی‌نیا و علیرضا نیک‌نژاد) ۳۳۱

-----  
ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه ضیاءالملک، بی تا، ۴۲۸-۲۹۶.

-----  
ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به شهاب‌الملک،

۱۲۹۳ ق، ۴۲۴-۲۹۶.

-----  
ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به ظل السلطان در

مورد شیخ‌الاسلام کردستان، ۱۲۹۹ ق، ش ۴۱۳-۲۹۶.

-----  
رقم عباس میرزا در خصوص آقامیرسیدعلی

شیخ‌الاسلام مرند و زنوز و گرگر، ۱۲۲۴ ق، ش ۱۲۱۸۴-۲۹۶.

-----  
ملفوفه رقم مظفرالدین میرزا به میرزا حسین

مرندی، محرم ۱۳۱۱ ق، ۱۲۸۲-۲۹۶.

-----  
جمادی‌الآخر ۱۳۱۱ ه.ق، -----.

-----  
ملفوفه رقم سالارالدوله ۱۳۳۰ ق، ۱۹۵-۹۹۷.

-----  
مستمریات کل ممالک محروسه، ۱۳۰۱ ق، ۷۲۲۰-

۲۹۵

-----  
مستمریات کل ممالک محروسه، ۱۳۰۲ ۱۳۰۲-۷۲۲۱ ۲۹۵-

-----  
دفتر ثبت اسناد، ش ۸۱۵۹-۲۹۵.

کتابها:

ابن بطوطه؛ (۱۳۷۰)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ۲ جلد، تهران، آگاه، چاپ پنجم.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل

رضوانی، ۳ جلد، تهران: دنیای کتاب.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ (۱۳۷۴)، المآثر والآثار، تصحیح ایرج افشار، ۳ جلد، تهران:

اساطیر.

بیلی فریزر، جیمز؛ (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.

دروویل، گاسپار؛ (۱۳۸۹)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، قم: نیلوفرانه.

دیوان بیگی، میرزا حسین خان؛ (۱۳۸۲)، خاطرات دیوان بیگی، به تصحیح ایرج افشار، تهران:

اساطیر.

رضائی، امید؛ (۱۳۹۰)، در آمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، تهران: پژوهشگاه علوم و

مطالعات فرهنگی.

۳۳۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

شاردن، ژان؛ (۱۳۳۸)، سیاحتنامه، ج ۶، ترجمه محمد عباسی، تهران: بی نا.  
غزالی، امام محمد؛ (۱۳۳۳)، فضائل الانام من رسائل حجه الاسلام، به تصحیح عباس اقبال،  
تهران: ابن سینا.

فسائی، میرزا حسن حسینی، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسائی، ۲ جلد،  
تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.

کسروی، احمد؛ (۱۳۶۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.

مروی، محمد کاظم؛ (۱۳۷۴)، تصحیح محمدامین ریاحی، ۳ جلد، تهران، علمی، چاپ سوم.  
مستوفی، عبدالله؛ (۱۳۸۶)، شرح زندگانی یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ۳۰  
جلد، تهران: هرمس.

میرزاسمیعا؛ (۱۳۶۸)، تذکره الملوک، تهران: امیرکبیر.

نادر میرزا، (۱۳۹۳) تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد،  
تبریز، آیدین.

هدایت، رضا قلیخان؛ (۱۳۳۹)، تاریخ روضه الصفا ناصری، ۱۰ ج، تهران: خیام.  
مجله:

سلطانی مقدم، حمیده و سعیده؛ (۱۳۸۹)، نه فرمان شیخ الاسلامی، عقد نامه و معافیت از  
سربازی از قرن دوازدهم و سیزدهم هجری، تهران: پیام بهارستان، ۲، س ۳، ش ۱۰.  
لغتنامه

علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، جلد ۱۰، ۱۳۷۷، چاپ دوم از دوره  
جدید.

دایرةالمعارف

دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی و بهاءالدین  
خرم‌شاهی، ج ۱۰، تهران، نشر شهید سعید محبّی، ۱۳۸۳، مدخل شیخ الإسلام.